

هدف منطقی و نهایت مقصدش کدام یک مباحث است: حجت  
راه‌های علمی استدلال:

حجت: معلوم تصدیقی که برای رسیدن به مجهول تصدیقی به  
کار گرفته می‌شود

اقسام حجت:

قیاس: ذهن برای رسیدن به مطلوب از قواعد کلی استفاده می  
کند

تمثیل: به خاطر وجود اشتراکات بین دو چیز از حکم یکی به  
دیگری منتقل می‌شود

استقراء: با بررسی مصادیق و جزئیات حکمی کلی بدست می  
آورد

قیاس : قولٌ مؤلفٌ من قضایا متی سلّمت لزم عنه لذاته قول آخر

**قول:** جنس است و به معنای مرکب تام خبری که شامل یک یا چند قضیه است

**قضایا:** شامل دو قضیه و بیشتر است و استدلال مباشر را خارج میکند

**متی سلّمت:** مقدمات قیاس لازم نیست بالفعل مقبول و مسلم باشد بلکه بالفرض هم کافی است. پس بین قبول و صدق قضایا با قبول و صدق نتیجه رابطه برقرار است

**لزم عنه:** استقراء و تمثیل خارج میشود چون رابطه بین مقدمات و نتیجه در آن ها علی و معلولی نیست و تنها مفید ظن است البته در برخی شرایط خاص استقرا رابطه لزومی دارد

**لذاته:** قیاس مساوات خارج می شود. در این قیاس نتیجه مترتب بر خود قیاس نیست بلکه بر مقدمه ای خارجی تکیه نموده است. یعنی اگر آن مقدمه خارجی درست باشد نتیجه قیاس درست خواهد بود.

# اصطلاحات عامه در قیاس

**صورت قیاس:** هیئت تالیف قضایا (شکلی تشکیل دهنده قضایا)

**مقدمه:** هر قضیه ای که صورت قیاس از آن تشکیل می شود (به مقدمات قیاس، مواد

قیاس هم گفته می شود)

**مطلوب:** قولی که لازمه قیاس است و هنگامی که ذهن شروع به تالیف مقدمات می کند

به آن مطلوب گویند.

**نتیجه:** همان مطلوب است که بعد از تشکیل قیاس به آن نتیجه می گویند.

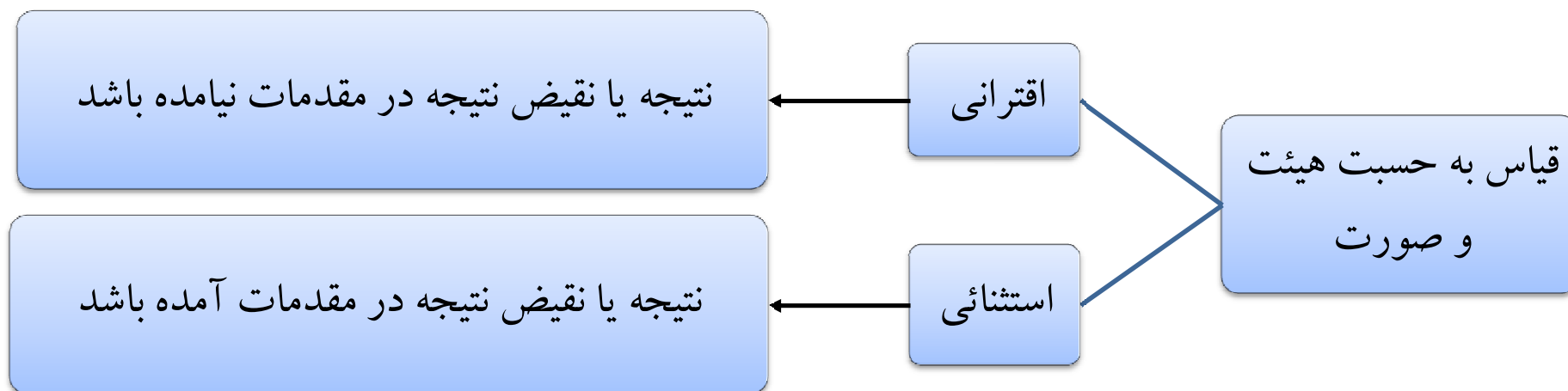
**حدود:** همان اجزاء ذاتی مقدمه است. اجزائی که بعد از تجزیه قضیه باقی می ماند. اگر

قضیه حملیه را به اجزایش تفکیک کنیم فقط موضوع و محمول باقی می ماند نه نسبت که

مقوم بین طرفین برای برقراری لرتباط بین آنهاست. پس با جدا شدن موضوع و محمول،

نسبت از بین می رود همین طور سور و جهت که از شوون نسبت است. قضیه شرطیه نیز با

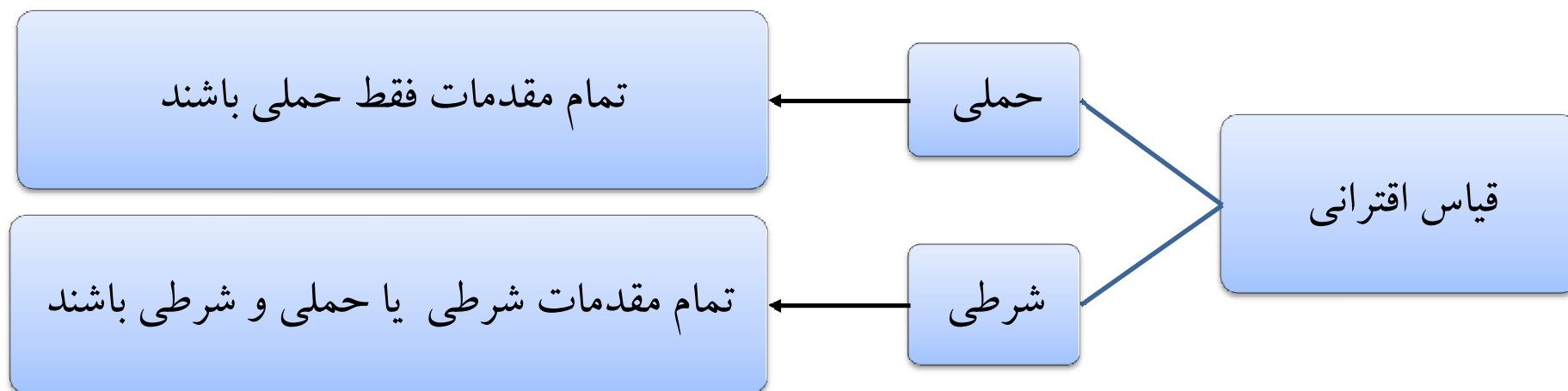
تجزیه شدن فقط مقدم و تالی باقی می ماند.



ان کان محمد عالما فواجب احترامه

لکنه عالم

فمحمد واجب احترامه



۱- كلما كان الماء جارياً كان معتصماً

۲- و كلما كان معتصماً كان لا يتنجس بملاقاة النجاسة

\*\* كلما كان الماء جارياً كان لا ينجس بملاقاة النجاسته

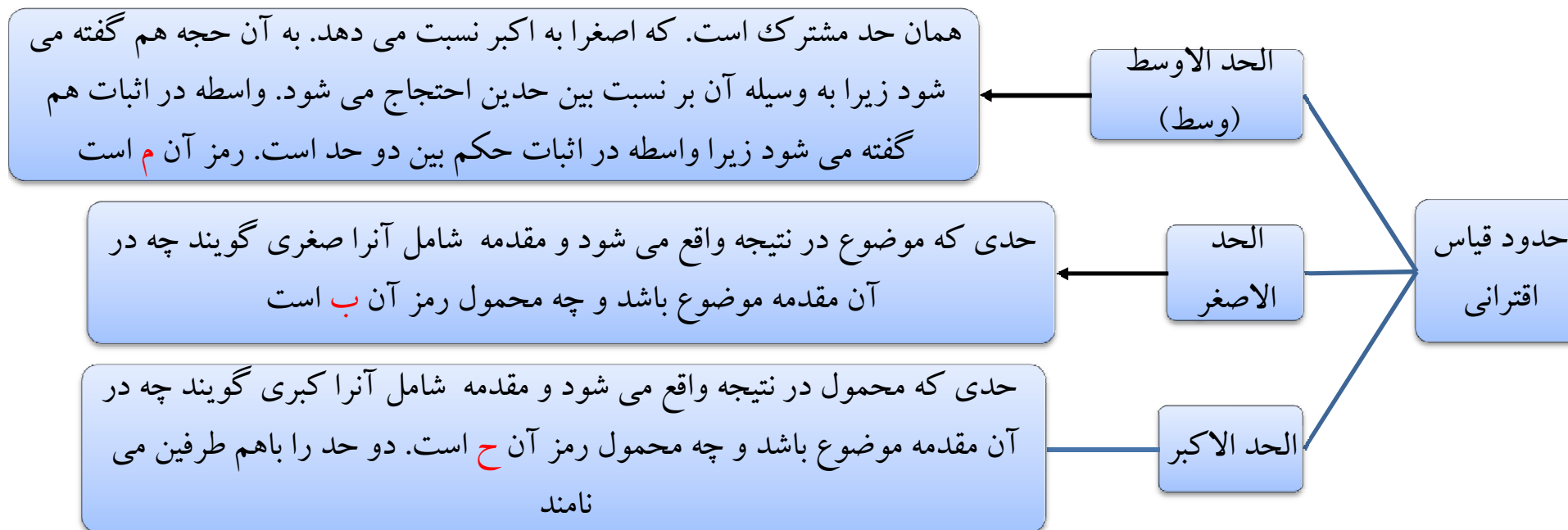
۱- الاسم كلمه

۲- و الكلمه اما مبنيه او معربه

\*\* الاسم اما مبنيه او معربه

واجب است قیاس اقترانی چه شرطی باشد و چه حملی، از دو مقدمه تشکیل شود تا

مطلوب را نتیجه دهد و این مقدمات از سه حد تشکیل شده باشند



قواعد  
عامه  
قیاس  
اقترانی

تکرار حد وسط: حد وسط باید در صغری و کبری کاملا و بدون اختلاف تکرار شود و گرنه ارتباط بین طرفین فهمیده نمی شود. دیوار موش دارد و موش هم گوش دارد ← دیوار گوش دارد (حد وسط تکرار نشده)

موجبه بودن یکی از مقدمات: زیرا حد وسط در دو سالبه نمی تواند بین اصغر و اکبر پیوند ایجاد کند مثلا اگر اسب حد وسط باشد و حد اصغر و اکبر انسان و ناطق باشد و یا حد اصغر و اکبر انسان و پرنده باشد اسب با طرفین تباین دارد اما مشخص نیست بین حد اصغر و اکبر تباین است یا خیر

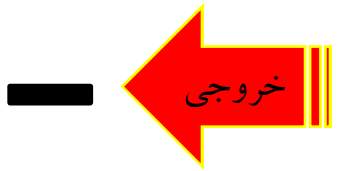
کلی بودن یکی از مقدمات: زیرا حد وسط نمی تواند بین حد اصغر و اکبر اتحاد ایجاد کند زیرا قضیه جزئیه بر اتحاد بعضی مصادیق دلالت دارد و مشخص نیست بعض مورد نظر در اصغر همان بعض در اکبر باشد مانند جایی که حد وسط حیوان است و حد اصغر و اکبر انسان و ناطق است و یا حد اصغر و اکبر انسان و اسب است که مشخص نیست بین طرفین تباین هست یا نه

نتیجه تابع اخس مقدمتین است: یعنی اگر در مقدمات سالبه داشته باشیم نتیجه سالبه و اگر جزئیه داشته باشیم نتیجه جزئیه است چون نتیجه فرع بر دو مقدمه است و رتبه سالبه از موجبه پایین تر و رتبه جزئیه از کلیه

از صغرای سالبه و کبری جزئی نتیجه ای بدست نمی آید: چون سالبه کلیه بر تباین طرفین و موجبه جزئیه بر تلاقی طرفین لذا معلوم نیست بین طرفین تباین است یا تلاقی مثل جایی که حد وسط انسان است و طرفین کلاغ و سیاه و یا کلاغ و سفید باشد

ضروب منتج

4

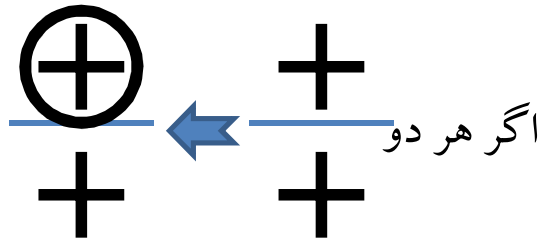
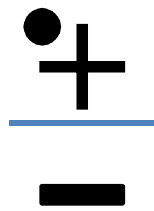


4

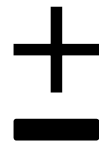
6



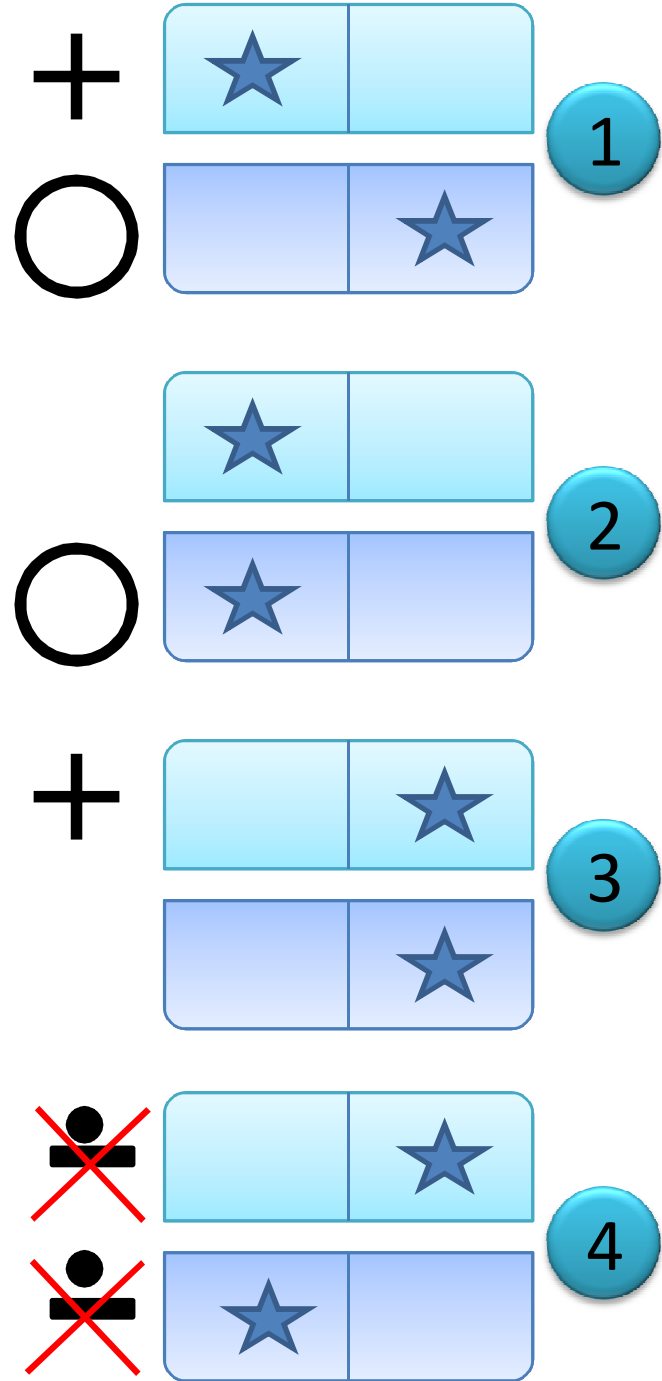
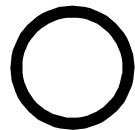
5



اختلاف در کیفیت



حداقل یکی کلی





در شکل ۳ و ۴

کل کل ← ع



کل لا ← س



شکل در اصطلاح : همان قیاس اقترانی است به اعتبار کیفیت قرار  
گرفتن حد وسط نسبت به طرفین

## ضروب شکل اول

صغری کبری	کل	ع	لا	س
کل	کل	ع	-	-
ع	-	-	-	-
لا	لا	س	-	-
س	-	-	-	-

## ضروب شکل دوم

صغری کبری	کل	ع	لا	س
کل	-	-	لا	س
ع	-	-	-	-
لا	لا	س	-	-
س	-	-	-	-

## ضروب شکل سوم

صغری کبری	کل	ع	لا	س
کل	ع	ع	-	-
ع	ع	-	-	-
لا	س	س	-	-
س	س	-	-	-

## ضروب شکل چهارم

صغری کبری	کل	ع	لا	س
کل	ع	-	لا	-
ع	ع	-	-	-
لا	س	س	-	-
س	-	-	-	-

این	ناطق است ★
-----	------------

ناطق ★	انسان است
--------	-----------

این انسان است چون ناطق است

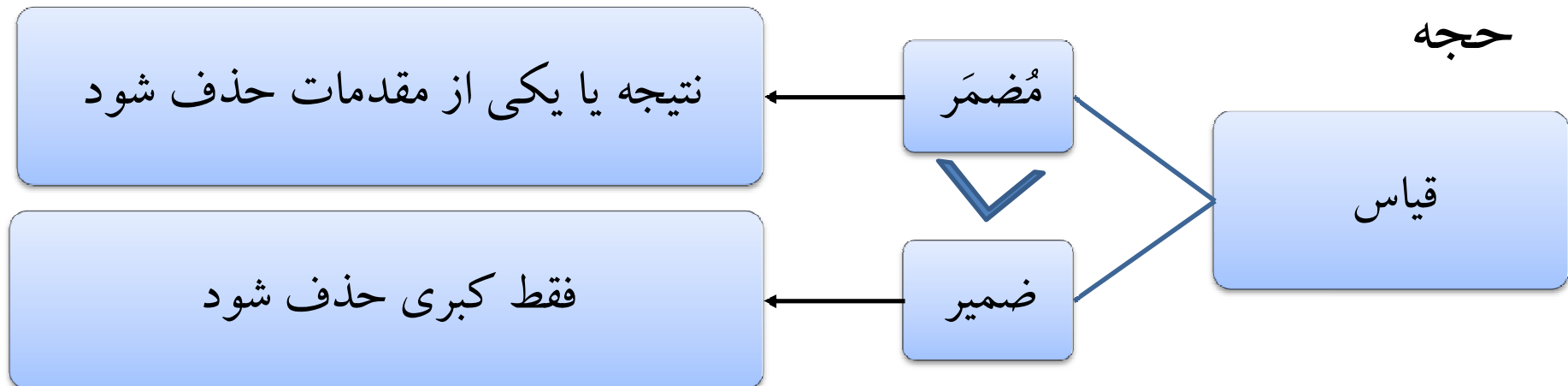
هر انسانی حیوان است

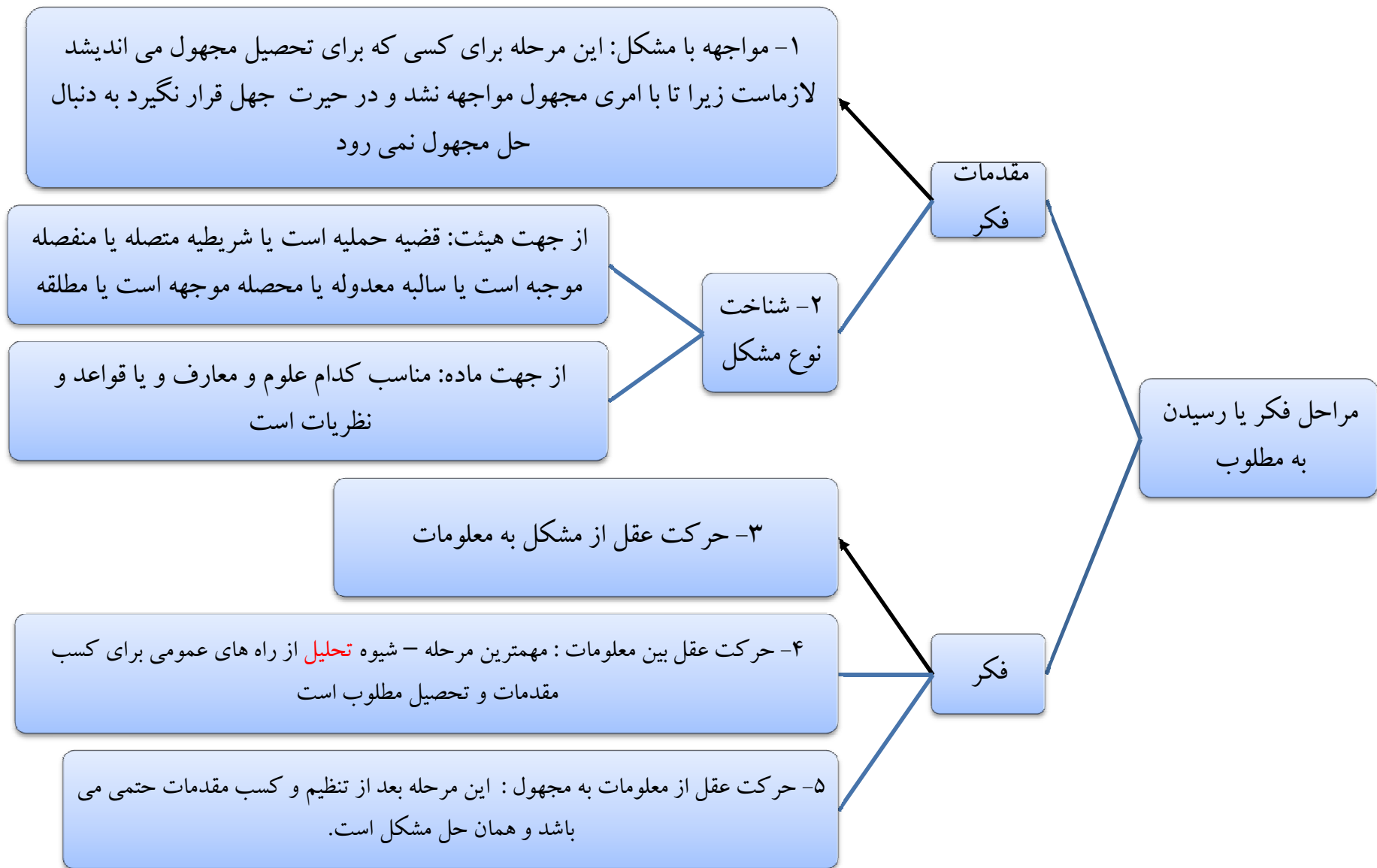
هر حیوانی حساس است

\*\* هر انسانی حساس است

نام دیگر حد وسط چیست؟

حجه







کسب  
مقدمات  
به وسیله  
تحلیل

از طریق  
اقترانی حملی

۱- مطلوب را که قضیه ای حملیه است به موضوع و محمول تفکیک می کنیم که موضوع حد اصغر در قیاس و محمول حد اکبر در آن است

۲- هر آنچه را که بر اصغر و اکبر حمل می شود و هر آنچه را که اصغر و اکبر بر آن حمل می شود، چه جنس باشد، چه نوع، چه فصل چه خاصه و چه عرض عام، بدست می آوریم و همین طور در مورد سلب پس قضایای حملیه موجه و سلبیه را بدست می آوریم

۳- بین قضایا هماهنگی ایجاد کرده و هر یک از اشکال را که بتوانیم می سازیم به شرط برقراری شروط اشکال تا به مطلوب برسیم در غیر این صورت راه دیگری را پیش می گیریم

اگر نخواهیم شرطیه را به حملیه لازم آن تغییر دهیم مانند حملیه عمل کرده و معلومات را به صورت قضیه شرطیه می سازیم

از طریق  
قضیه  
شرطیه

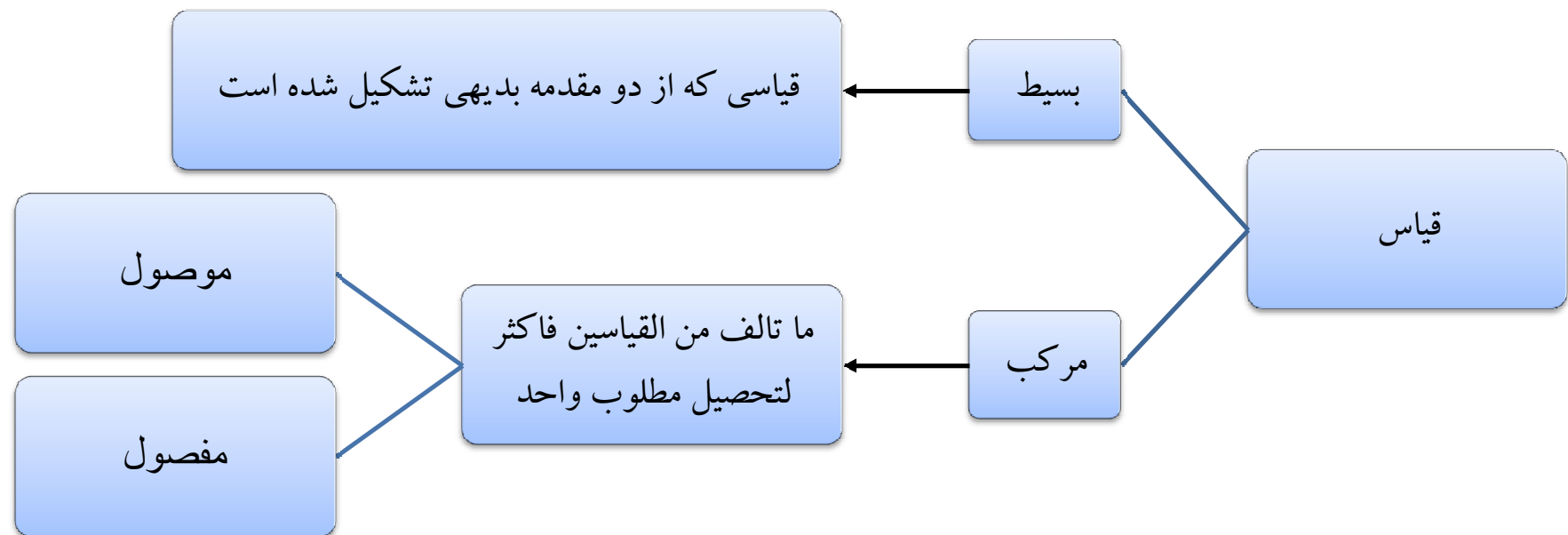
۱- تمام ملزومات و لوازم مطلوب و نقیض مطلوب را بدست می آوریم

۲- هر آنچه که معاند نقیض مطلوب است را چه صدقا و کذبا و یا صدقا فقط و یا کذبا فقط، پیدا می کنیم

اگر از مرحله اول استفاده کنیم قیاس استثنایی اتصالی می سازیم به این صورت که قضایا را تالیف نموده و عین مقدم و یا نقیض تالی را از آن استثنا می کنیم کدام که صحیح باشد

یا از مرحله دوم استفاده کرده و قیاس استثنایی انفصالی می سازیم (حقیقه یا مانعه الخلو و ..)

از طریق  
قیاس  
استثنایی



## قیاس استثنایی:

در قیاس استثنایی نتیجه نمی تواند به عنوان یک مقدمه کامل قرار گیرد.

مقدمه شرطیه در قیاس استثنایی یا منفصله است یا متصله  
شروط قیاس استثنایی:

- (1) موجب بودن شرطیه
- (2) کلی بودن یکی از مقدمتین
- (3) شرطیه لزومیه باشد نه اتفاقیه

## روش نتیجه گیری در قیاس استثنایی اتصالی

1) از وضع مقدم نتیجه می گیریم وضع تالی را

2) از رفع تالی نتیجه می گیریم رفع مقدم را

## روش نتیجه گیری در قیاس استثنایی انفصالی

اگر شرطیه منفصله:

1) حقیقیه باشد:

از عین طرف اول - < نقیض طرف دوم

از عین طرف دوم - < نقیض طرف اول

از نقیض طرف اول - < عین طرف دوم

از نقیض طرف دوم - < عین طرف اول

2) مانعه الجمع باشد:

از عین طرف اول - < نقیض طرف دوم

از عین طرف دوم - < نقیض طرف اول

3) مانعه الخلو باشد:

از نقیض طرف اول - < عین طرف دوم

از نقیض طرف دوم - < عین طرف اول

**برهان خلف** ( استدلال غیرمباشر از نوع قیاس مرکب)

از دو مقدمه س ب م و کل ح م صادق باشد نتیجه س ب ح است  
( قیاس اقترانی شرطی که متشکل از متصله و حملیه است  
اگر س ب ح صادق نباشد کل ب ح صادق است(نقیض آن)  
کل ح م صادق است

: اگر س ب ح صادق نباشد کل ب م صادق است.

(2) قیاس استثنایی:

اگر س ب ح صادق نباشد پس کل ب م صادق است  
لکن کل ب م صادق نیست( چون مخالف فرض است)  
: س ب ح صادق است

## قیاس مساوات

الف مساوی ب است

ب مساوی ج است

: الف مساوی ج است

در این قیاس حد وسط کامل تکرار نشده

الف مساوی ب است

مساوی ب مساوی مساوی ج است

: الف مساوی مساوی ج است

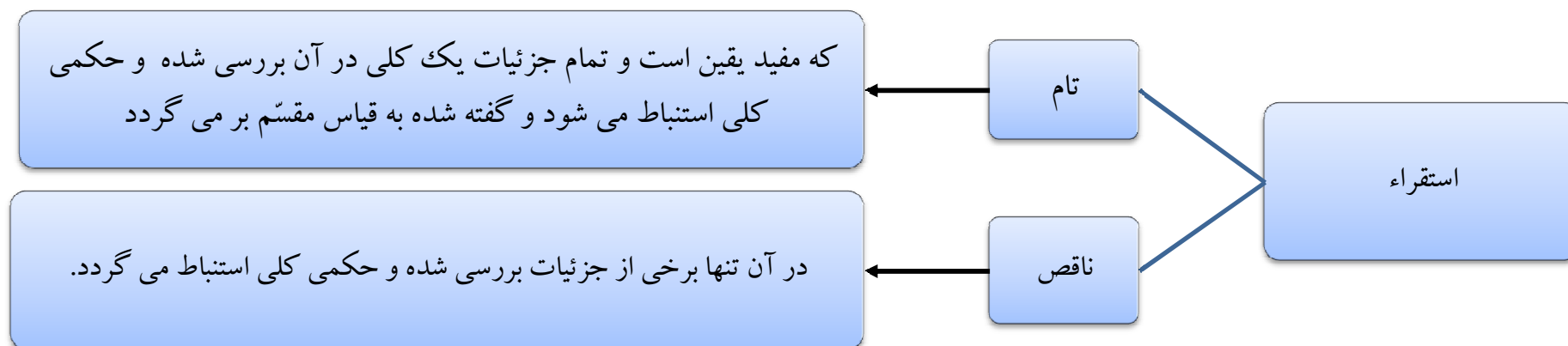
الف مساوی مساوی ج است

مساوی مساوی ج مساوی ج است

: الف مساوی ج است

مقدمه خارجی

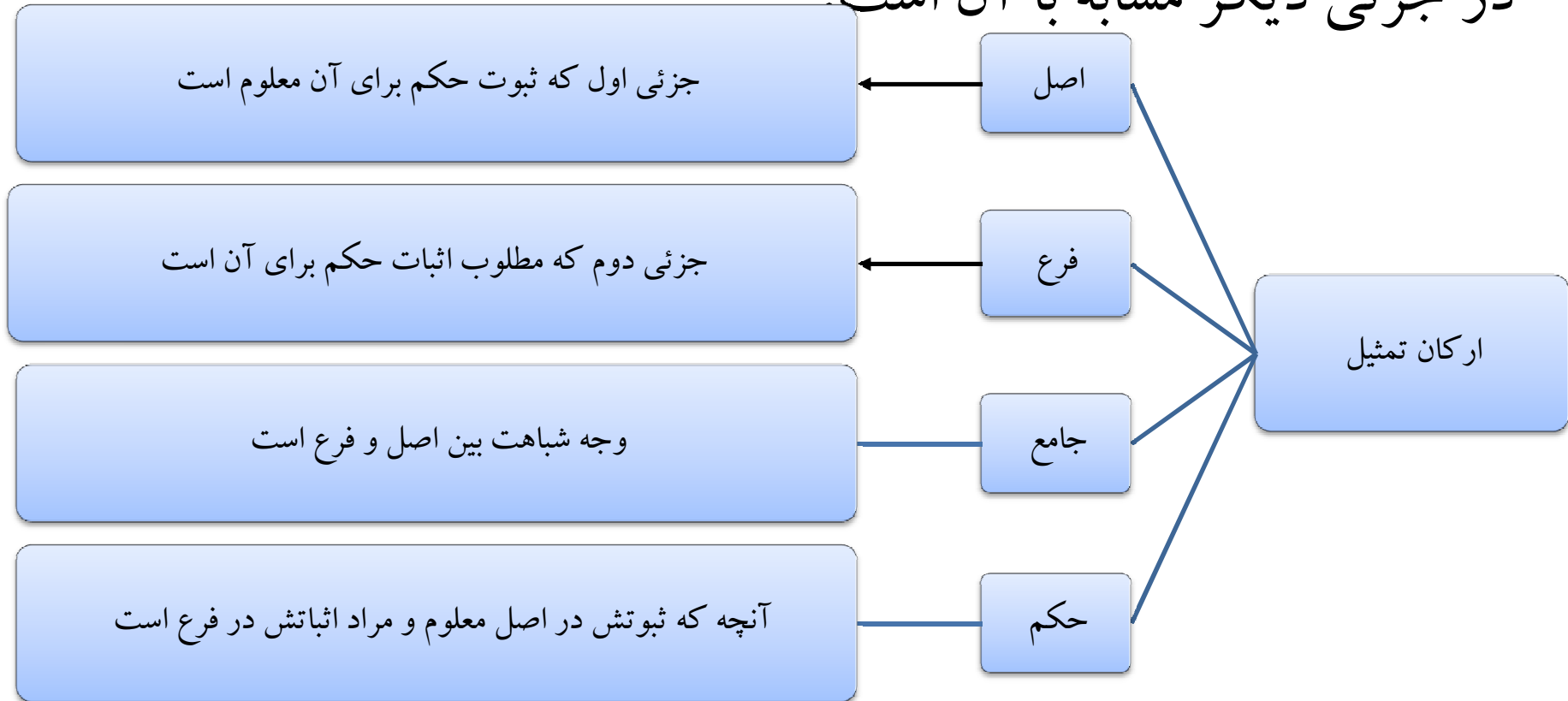
استقراء: آن است که ذهن برخی از جزئیات را بررسی و از آن  
حکمی عام استنباط می کند پس حقیقت استقرا استدلال از  
خاص بر عام است





تمثیل: این است که ذهن به خاطر جهتی مشترک در دو شیء از حکم یکی به حکم دیگری منتقل می شود.

به عبارت دیگر: **اثبات** حکم در یک جزئی به خاطر **ثبوت** آن حکم در جزئی دیگر مشابه با آن است.





بازگشت تمثیلی که مفید یقین است به چیست و چرا؟

بازگشت آن به استقراء مبتنی بر تعلیل است زیرا مهم در تمثیل، اثبات علت تامه بودن جامع برای حکم است و اثبات این امر نیازمند جستجو و استقراء است .

البته در خصوص مسائل شرعی برای اثبات علیت جامع نمی توانیم به استقراء استناد کنیم و تنها راه، بیان و تصریح شارع است. استقراء مبتنی بر تعلیل، همان قیاس است که مفید یقین است. که جامع حد وسط، فرع حد اصغر و حکم حد اکبر است.